

چهارشنبه • ۲۷ آبان ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۵۱ • ۹

شرق روزنامه جهان

دوست داشته‌شدن وکاتارسیس	صفحه ۱۰
چنین معاصر می‌شویم	صفحه ۱۱
صداهای دیگری به گوش می‌رسند	صفحه ۱۲

نگاه

سقوط هواپیمای روسی شکست استراتژی السیسی
تصاویر بزرگ «عبدالفتاح السیسی»، رئیس‌جمهوری مصر، بر دیوار بازرسی‌های امنیتی منتهی به شبه‌جزیره سینا آویخته شده است. سقوط هواپیمای روسی در صحرای سینا این تصاویر را که می‌خواست بگوید همه‌چیز را تحت کنترل دارد، درهم شکست. این مسئله روزه‌به‌روز قطعی‌تر می‌شود گروه‌های ستیزه‌جویی که به‌دنبال سرنگونی السیسی هستند ممکن است هواپیمای مصر سالانه میلیاردها دلار صرف مبارزه با این گروه‌ها می‌کنند. السیسی بدون توجه به درس‌های گذشته، معتقد است سرکوب و زندانی‌کردن یا اعدام این افراد موجب ایجاد ثبات در کشور خواهد شد. اما سرنگونی هواپیمای روسی به‌ویژه اگر ثابت شود کار افراط‌گرایان بوده، نشان می‌دهد استراتژی او نتیجه‌ای معکوس داشته است. به‌تازگی دولت‌های آمریکا و انگلستان به‌صراحت اعلام کردند این احتمال وجود دارد که علت سقوط هواپیمای بمب‌گذاری در آن باشد. اما روسیه می‌گوید هنوز زود است دراین‌باره بتوان به صورت قطعی نتیجه‌گیری کرد. اولیل ماه سپتامبر گذشته، ارتش مصر حمله‌ای گسترده را علیه شبه‌نظامیان در صحرای سینا ترتیب داد که در آن گفته شد ۵۰۰ نفر از آنها کشته شده‌اند. اما ساکنان این منطقه می‌گویند اکثر کشته‌شدگان شهروندان عادی بودند. همین امر جوانان بیشتری را تحریک می‌کند تا سلاح بر داشته و با دولت مرکزی درگیر شوند. یک زن پیر که در برابر خانه چوبی‌اش در «العریش» نشسته، می‌گوید: «السیسی می‌گوید با تروریسم می‌جنگد ولی با ما می‌جنگد. زین ناپ و بچه‌ها که تروریست نیستند». پیرزن تعریف می‌کند چگونه شوهرش در جریان همین درگیری‌ها کشته شده است. او می‌گوید: «سربازان شهوم را کشتند. حتی او را به بیمارستان نبردند، آمدند، دیدند و روی جسدش را پوشاندند و رفتند». فرماندهان نظامی مصر این‌گونه خبرها را تکذیب می‌کنند و می‌گویند آنها غیرنظامیان را هدف قرار نمی‌دهند. نتایج کوتاه‌مدت با وجود اینکه بخش جنوبی شبه‌جزیره سینا یعنی همان شرم‌الشیخ بر از گردشگران اروپایی است، بخش شمالی آن تحت سیطره ارتش قرار دارد. بیشترین درگیری‌ها در اطراف شهرهای «شیخ زوید» و «رفح» است که چسبیده به غزه بوده و همیشه حالت فوق‌العاده بر این مناطق حکمفرماست. ارتش فهرست «تروریست‌ها»ی کشته‌شده و تصاویر اجسادشان را هر روز منتشر می‌کند تا بگوید مصر در مبارزه با تروریست‌ها موفق عمل کرده است. اما دیپلمات‌ها می‌گویند تاکتیک‌های السیسی فقط می‌تواند نتایجی کوتاه‌مدت داشته باشد؛ از آنجا که این تاکتیک‌ها نمی‌تواند موجب سرمایه‌گذاری در منطقه و ایجاد شغل شود، پس نمی‌تواند نتایجی درازمدت داشته باشد. یک دیپلمات غربی می‌گوید: «هدف آنها درحال حاضر فقط مهار مشکل است. آنها می‌خواهند نتایجی سریع بگیرند و همین کار را بدر می‌کند. استراتژی آنها به هیچ‌وجه نتایج درازمدتی نخواهد داشت». ساکنان به دلیل نگرانی از ارتش و تروریست می‌خواهند نام‌شان ذکر نشود. آنها می‌گویند آمار رسمی ارتش، بیشتر شامل شهروندان عادی است. در بسیاری از موارد حتی مردگان را هم جزء تروریست‌ها ذکر می‌کنند. «حجاج فایز»، کسی که نظارت بر امور کشته‌شدگان در بیمارستان «العریش» را برعهده دارد، می‌گوید: به‌طور متوسط روزانه سه تا پنج شهروند عادی در شمال سینا به دست نیروهای ارتش یا تندروها کشته می‌شوند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید در ۲۴ ماه گذشته حدود ۳۲ هزار خانواده از صحرای سینا آواره شده‌اند. «ساره لی واتسون»، گزارش‌گر امور خوارمیانه این سازمان، می‌گوید: «ویران‌کردن خانه‌ها و محله‌ها نمونه‌های روشنی است که نشان می‌دهد مبارزه با افراط‌گرایی به این سبک شکست خورده است». مقامات امنیتی مصر می‌گویند شبه‌نظامیان سینا بخشی از تشکیلات داعش در مصر هستند و صدها نیروی افراطی را دربر می‌گیرند که به هسته‌های مخفی بین پنج تا هفت نفر تقسیم می‌شوند و تعقیب آنها کار دشواری است. «مهند صبری»، نویسنده کتاب «سینا: ستون مصر، شریان زندگی؛ غزه و کابوس اسرائیل» می‌گوید دولت هرچه به این روش ادامه دهد کنترل خود را بر این شبه‌جزیره استراتژیک بیشتر از دست می‌دهد. او توضیح می‌دهد چگونه ارتش اکثریت منازل روستای وابسته به دوستانشان را ویران کرده است. به گفته او، در این روستا سال گذشته ۳۰ نیروی افراطی بود و حالا تعدادشان به ۴۰ نفر رسیده است. خیلی‌ها در منطقه العریش پرچم‌هایی را بر فراز خانه‌هایشان آویخته‌اند به این امید که هواپیمای جنگی ارتش آنها را بمباران نکند، اما اگر اثبات شود هواپیمای روسی به وسیله شبه‌نظامیان تندروی این منطقه سرنگون شده است، این نگرانی‌ها دوچندان خواهد شد. منبع: رویترز عربی

برنده وبازنده سقوط هواپیمای روسی

بیشتر کشورهای غربی و حتی روسیه سفرهای خود به تفرجگاه «شرم‌الشیخ» در سینا را متوقف کرده‌اند که این مسئله باعث ترس و وحشت در میان بیش از ۸۰هزار گردشگر روس و ۲۰هزار گردشگر انگلیسی شده است، چراکه این تفرجگاه به دلیل زیبایی، آرامش و ارزان‌بودن هزینه‌هایش مورد توجه توریست‌های این دو کشور بود. «عبدالفتاح سیسی»، رئیس‌جمهوری مصر که هنگام حضورش در لندن در جریان یک سفر رسمی به دلیل سخنان «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر بریتانیا، مبنی‌بر تروریستی‌بودن انفجار این هواپیما بسیار ناراحت شده بود، به‌سرعت دستور اتخاذ تدابیر تلافی‌جویانه در قبال انگلیس را داد و اجازه فرود فقط هشت هواپیمای انگلیسی از میان ۲۹ هواپیما را برای انتقال گردشگران انگلیسی داد تا ۲۰هزار گردشگر خود را خارج کند. این انفجار دو ضربه محکم به مسئولان مصری وارد کرد؛ زبان نخست اقتصادی بود چراکه به صنعت گردشگری مصر که سالانه حدود شش‌میلیارد دلار را به خزانه‌داری مصر واریز کرده و برای حدود ۹میلیون مصری اشتغال‌زایی می‌کند، ضربه زد و اکنون زمان زیادی نیاز است تا دست‌کم اندکی از این ضررها جبران شود؛ اما مسئله دوم هزینه امنیتی بود که این مسئولان را در تنگنا قرار می‌دهد که ظرف ماه‌های اخیر این مسئله را تکرار می‌کردند که تروریسم را در شبه‌جزیره سینا از بین برده یا دست‌کم آن را تحت کنترل درآورده‌اند. در صورت تأیید گزارش‌هایی مبنی‌بر اینکه داعش در این انفجار دست داشته است، چه‌بسا داعش بزرگ‌ترین برنده باشد و به نظر می‌رسد که این گزارش‌ها قطعی هستند و منابع امنیتی برای شبکه «بی‌بی‌سی» می‌کند تا فابلی را پخش کردند که نشان می‌دهد نیروهای داعش به دلیل این انفجار در شهر «رفح» سوریه جشن گرفته‌اند و به یکدیگر تبریک می‌گویند. چنین انفجاری که نقض امنیتی بزرگی به‌شمار می‌آید، توانایی‌های داعش را برای به‌کارگرفتن نیروهای بیشتر تقویت خواهد کرد و چه‌بسا وضعیت هسل و وحشت آنها را ترغیب کند تا دست به انفجارهای مشابهی در کشورهای‌برزند که وارد جنگی برای ازبین‌بردن این گروه شده‌اند. تدابیر شدید امنیتی که بر فرودگاه‌های غربی حکمفرماست، یقینا به فرودگاه‌های کشورهای عربی نیز انتقال خواهد یافت، که این مسئله فشارهای بیشتری را به مسافران عرب وارد می‌کند، چراکه شرکت‌های خارجی با شک و تردید به تدابیر امنیتی در فرودگاه‌های کشورهای عربی می‌نگرند.
روزنامه‌های انگلیسی نیز تحقیقاتی طولانی را در مورد سسست‌بودن تدابیر امنیتی در این فرودگاه‌ها منتشر کرده‌اند. منفرچرشن هواپیمای روسی مسئولان امنیتی در کشورهای عربی را به احتیاط بیشتری سوق می‌دهد و صنعت گردشگری و هواپیمایی را در معرض خطراتی احتمالی متعددی قرار می‌دهد، به‌ویژه اینکه داعش و شاخه‌های آن از اقدامات نظامی در عراق و سوریه به نقض‌ها و عملیات امنیتی در کشورهای عربی و چه‌بسا خارجی روی می‌آورند که سرآغاز آن حمله تروریستی شرم‌الشیخ بوده است تا ا دولت‌ها و کشورهای‌که برای ازبین‌بردن این گروه وارد عمل شده‌اند، انتقام بگیرند.



«فران پدرت سانتوس» و «خاوی لوپز»، نمایندگان حزب سوسیالیست کاتالونیا در گفت‌وگو با «شرق»:

همه چیز پشت میز مذاکره حل می‌شود

جریان مذاکرات درباره اساسنامه جدید استقلال کاتالونیا خصمانه بوده است. قطعاً بحران اقتصادی سبب شده تا این انگیزه و ایده در میان کاتالان‌ها ایجاد شود که این منطقه ثروتمند می‌تواند سهم بیشتری از رفاه اجتماعی داشته باشد و سهم کمتری از مالیات را بپردازد. ما سوسیالیست‌های کاتالان موافق این موضوع هستیم که نیاز سرمایه‌ای بیشتری برای نظام رفاهی ما وجود دارد.
باین‌حال، ما خواستار حفظ اتحاد خود با سایر مناطق اسپانیا و اروپا هستیم. ما گمان نمی‌کنیم که استقلال گزینه خوبی برای مردم کاتالونیا باشد، در صورتی که دولت اسپانیا مدیریت امور را به‌گونه‌ای انجام دهد که نیازهای اقتصادی کاتالونیا برآورده شود (همانند برآورده‌شدن نیازهای والنسیا یا سایر مناطق غنی اسپانیا) فکر می‌کنم میزان حمایت از ایده استقلال خواهی کاهش خواهد یافت؛ باین‌حال، این ایده از بین نخواهد رفت یا به ایده‌ای حاشیه‌ای تبدیل نخواهد شد، چراکه سایر عوامل به‌ویژه به‌رسمیت‌نشناختن کامل ویژگی چندملیتی اسپانیا از سوی دولت مرکزی هنوز معضلی اساسی است که بر سر جای خود باقی مانده است.

کا کاتالونیا اعلام کرده خواستار استقلال از اسپانیا و عضویت هم‌زمان در اتحادیه اروپا به‌عنوان یک عضو تازه است، درحالی‌که هدف اصلی اتحادیه اروپا ادغام کشورهای اروپایی است و جدایی‌طلبی در مغایرت با هدف اصلی تعیین‌شده اتحادیه اروپاست. به نظرثان رهبران اتحادیه اروپا چه واکنشی به استقلال کاتالونیا از خود نشان خواهند داد؟
خاوی لوپز، در هر شکلی یک کاتالونیای مستقل، شریکی از جامعه اروپایی خواهد بود. کاتالونیا از قانون شکنی به عنوان یک دولت خودداری خواهد کرد. کاتالونیا هنوز حتی به عنوان یک دولت از سوی اتحادیه اروپا پذیرفته نشده است.
فران پدرت: در صورت جدایی کاتالونیا از اسپانیا (درصورتی‌که جدایی غیرتوافقی باشد) این موضوع نشان‌دهنده آن است که کاتالونیا به طور خودکار از دیدگاه اتحادیه اروپا یک کشور ثالث به شمار خواهد آمد؛ با تمام پیامدها در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سایر حوزه‌ها. درصورتی‌که جدایی یک‌طرفه باشد، کاتالونیا احتمالاً با دشواری‌های زیادی در مسیر به‌رسمیت‌شناخته‌شدن به عنوان یک دولت مواجه خواهد بود. همچنین این دشواری در زمینه پذیرش عضویت آن ناحیه به عنوان یک عضو جدید در اتحادیه اروپا نیز وجود خواهد داشت؛ چراکه تصمیم به اتفاق آرای سایر اعضای اتحادیه اروپا، برای پذیرش عضویت دولتی تازه وجود دارد. این درحالی است که بسیاری از اعضای اتحادیه اروپا اقلیتی از ملیت‌ها را درون مرزهای خود دارند و به همین دلیل احتمالاً با پذیرش عضویت کاتالونیا، مخالفت خواهند کرد؛ چراکه می‌دانند در صورت پذیرش استقلال کاتالونیا، مسیر جدایی یک‌طرفه در دیگر کشورهای اروپایی نیز هموار خواهد شد. در نتیجه، همان‌گونه که شما اشاره کردید، ایده استقلال کاتالونیا خلاف جهت خواست و ایده اتحادیه اروپا خواهد بود.

کا درصورتی‌که اتحادیه اروپا، عضویت کاتالونیا در آن اتحادیه را به عنوان دولتی مستقل نپذیرد، این موضوع چه تأثیری بر وضعیت اقتصادی آن منطقه خواهد گذاشت؟
خاوی لوپز، همان‌گونه که «جوزف بول»، رئیس پیشین پارلمان اروپایی در کتاب تازه خود درباره استقلال کاتالونیا توضیح داده، جامعه بین‌المللی، استقلال برای یک منطقه غنی و ثروتمند را نخواهد پذیرفت. او اشاره کرده مخالفت با استقلال کاتالونیا، بدین خاطر است که کاتالان‌ها خواستار رهایی هستند. باین‌حال، کشورهای مخالف این امر می‌خواهند اتحاد خود را در برابر خواست عمومی کاتالونیا به نمایش بگذارند. این وضعیت اتهامات زیادی در حوزه اقتصاد و تبعات آن ایجاد خواهد کرد.

فران پدرت: پاسخ به این پرسش دشوار است. ما بر این باوریم که جنبش طرفدار استقلال خوشبینی غیرواقع‌بینانه و بیش از اندازه‌ای درباره امکان تحقق این ایده دارد. کاتالونیا به نسبت تولید ناخالص ملی سالانه خود، بدهی‌های عظیمی دارد و همین موضوع سبب می‌شود مسیر جذب پول از بازارها برای سرمایه‌گذاری در صندوق دولتی جدید دشوار باشد. همچنین بدهی‌های بخش خصوصی نیز زیاد است و بعید است بتوان سرمایه‌های لازم را د قالب نوعی اوراق قرضه میهنی تأمین کرد. در خارج از کاتالونیا نیز اسپانیا و اتحادیه اروپا می‌توانند مشکلات زیادی را برای اقتصاد ما ایجاد کنند. هردوی آنها طرف‌های اصلی بازارهای ما هستند. بیشتر بانک‌های ما خارج از چتر بانک مرکزی اروپا هستند. سخنگویان ایده استقلال خواهی تلاش دارند درباره عضویت در انجمن تجارت آزاد اروپا صحبت کنند، اما نمی‌توانند سایرین را دراین‌باره اقناع کنند. تصمیم‌گیری نهایی دراین‌باره بستگی به حسن‌نیت سایر طرفین نیز دارد.

کا خلاف همه‌پرسی در اسکاکنلد که در نتیجه مذاکرات میان لندن و ادینبرگ انجام شد، اکنون می‌بینیم توافقی میان مادرید و بارسلونا درباره همه‌پرسی صورت نگرفته است. آیا فکر نمی‌کنید این حالت وضعیت را پیچیده‌تر خواهد کرد؟

خاوی لوپز، بله، کاتالان‌ها و سوسیالیست‌های اسپانیایی در سال‌های گذشته بر سر برنامه اصلاحات قانون اساسی که به طور خاص هویت ملی کاتالونیا را به‌رسمیت بشناسد و بر سر تقویت حضور نمایندگان مناطق مختلف در پارلمان با مادرید گفت‌وگو کرده‌اند. ما همچنین، خواستار فرایند تصمیم‌گیری در روند مذاکرات درباره توزیع منصفانه‌تر درآمد مالیاتی میان مناطق مختلف بوده‌ایم. به طور خلاصه، ما خواستار اعمال اصلاحاتی در کاتالونیا با جهت‌گیری فدرال بوده‌ایم.
فران پدرت: ما سوسیالیست‌های کاتالان، به عنوان یک حزب فدرالیست در تلاش هستیم به زایش قانون اساسی فدرال در اسپانیا کمک کنیم. ما خواستار قانونی هستیم که در آن ویژگی چندملیتی‌بودن اسپانیا به‌رسمیت شناخته شود. ما مخالف ناسیونالیسم از هر دو جنبه کاتالانی و اسپانیایی آن هستیم. درصورتی‌که توافق بر سر قانون فدرال جدید شکست بخورد و نتواند در همه‌پرسی در کاتالونیا یا اسپانیا تصویب شود، تنها راه باقی‌مانده در پیش‌گرفتن نوعی از یک راه‌حل کانادایی خواهد بود.
در یک دموکراسی شما تنها می‌توانید جدایی را به عنوان میوه‌ای از توافقی جامع و منطبق با یک سازوکار قانونی و با تکیه بر خواست عموم مردم تصور کنید صرف‌نظر از آنکه نتیجه همه‌پرسی چه باشد. شما نمی‌توانید با اجبار و برخلاف خواست اکثریت مردم کاتالونیا جدایی را عملی کنید.

ادامه در صفحه ۱۱

جریان مذاکرات درباره اساسنامه جدید استقلال کاتالونیا خصمانه بوده است. قطعاً بحران اقتصادی سبب شده تا این انگیزه و ایده در میان کاتالان‌ها ایجاد شود که این منطقه ثروتمند می‌تواند سهم بیشتری از رفاه اجتماعی داشته باشد و سهم کمتری از مالیات را بپردازد. ما سوسیالیست‌های کاتالان موافق این موضوع هستیم که نیاز سرمایه‌ای بیشتری برای نظام رفاهی ما وجود دارد.
باین‌حال، ما خواستار حفظ اتحاد خود با سایر مناطق اسپانیا و اروپا هستیم. ما گمان نمی‌کنیم که استقلال گزینه خوبی برای مردم کاتالونیا باشد، در صورتی که دولت اسپانیا مدیریت امور را به‌گونه‌ای انجام دهد که نیازهای اقتصادی کاتالونیا برآورده شود (همانند برآورده‌شدن نیازهای والنسیا یا سایر مناطق غنی اسپانیا) فکر می‌کنم میزان حمایت از ایده استقلال خواهی کاهش خواهد یافت؛ باین‌حال، این ایده از بین نخواهد رفت یا به ایده‌ای حاشیه‌ای تبدیل نخواهد شد، چراکه سایر عوامل به‌ویژه به‌رسمیت‌نشناختن کامل ویژگی چندملیتی اسپانیا از سوی دولت مرکزی هنوز معضلی اساسی است که بر سر جای خود باقی مانده است.

خاوی لوپز ، در هر شکلی یک کاتالونیای مستقل، شریکی از جامعه اروپایی خواهد بود. کاتالونیا از قانون شکنی به عنوان یک دولت خودداری خواهد کرد. کاتالونیا هنوز حتی به عنوان یک دولت از سوی اتحادیه اروپا پذیرفته نشده است.	
فران پدرت ، حتی اگر بتوان قدرت بیشتری به کاتالونیا محول کرد، این عامل کلیدی و موضوع اصلی نیست. تلاشی برای به رسمیت‌نشناختن کاتالان‌ها در اسپانیا وجود دارد که یک اشتباه است. ما نیازمند یک نظام فدرال کارآمد هستیم	

کا باوجود گسترش خواست استقلال خواهی در کاتالونیا، جنبش «اتا» در باسک فعالیت‌های مسلحانه خود را متوقف کرده است و ما صدای استقلال‌طلبی را از آن ناحیه نمی‌شنویم؟ چرا؟
خاوی لوپز، باسک در یک روند صلح‌آمیز گذار قرار دارد. اتا فعالیت‌های خشونت‌بار خود را متوقف کرده است؛ باین‌حال، باسک نیازمند زمان است تا از ادغام جامعه اطمینان حاصل کند. این موضوع پس از سال‌ها اختلاف روی داد.

فران پدرت، جنبش استقلال‌خواهی در باسک قدرتمند است. چند سال پیش از رشد زمینه استقلال کاتالان، حزب ملی‌گرای باسک که حزب حاکم در جامعه خودمختار باسک است، پرچم «حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت» آن ناحیه را بالا برد و تلاش‌های درخور توجهی برای کسب استقلال با نوعی از تصمیم‌گیری آزادانه و خودمختاری باسک را مطرح کرد. البته آنان در رسیدن به اهداف خود شکست خوردند و به همین دلیل حزب ناسیونالیست باسک در حال تلاش برای تعمیم استراتژی‌های جدیدی است. این موضوع به یک تلاش عظیم برای استقلال نینجامیده است. من فکر می‌کنم باسک و کاتالونیا دو واقعیت متفاوت، با عوامل دخیل گوناگون هستند.



نوژن اعتضاد السلطنه

ضرب‌المثل‌ی کاتالانی می‌گوید که صحبت درباره یک بدهی قدیمی باعث ایجاد نزاعی دیگر می‌شود. انتخابات ماه سپتامبر گذشته کاتالونیا که با نتیجه موافقت اکثریت شرکت‌کنندگان با جدایی آن منطقه از مادرید همراه شد، نمکی بود که بر زخم قدیمی بارسلونا و مادرید پاشیده شد. دراین‌میان، احزابی کاتالانی هم هستند که مخالف ایده جدایی کاتالونیا از اسپانیا هستند و باور دارند که نظام نیمه‌فدرال کنونی اسپانیا باید به نظامی تمامافدرال تبدیل شود تا چالش کنونی رفع شود. «خاویر لوپز»، عضو حزب سوسیالیست کاتالونیا و نماینده آن حزب در گروه ائتلاف مترقی سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها در پارلمان اروپایی، باور دارد که هر زمانی که توافقی مبنی‌بر خودمختاری بیشتر کاتالونیا صورت گرفته، دولت‌های مستقر در مادرید آن را نقض کرده‌اند. باین‌حال، او مذاکره و راه‌حل سیاسی را تنها مسیر بی‌رون‌رفت از بن‌بست کنونی می‌داند. «فران پدرت سانتوس»، نماینده پارلمانی آن حزب، نیز که اخیراً بار دیگر به پارلمان کاتالونیا راه یافته، باور دارد که تنها چاره بحران کنونی تغییر قانون اساسی و تأکید بر جنبه فدرال آن است. او از هر دو شکل ناسیونالیسم اسپانیایی و کاتالانی به‌عنوان عوامل اصلی ایجاد چالش کنونی انتقاد می‌کند. این دو عضو ارشد حزب سوسیالیست کاتالونیا در گفت‌وگو با «شرق» جنبه‌های مختلف مرتبط با چشم‌انداز روابط کاتالونیا با دولت اسپانیا و اتحادیه اروپا را مورد ارزیابی قرار دادند.

کا همان طوری که می‌دانید، نظام نیمه‌فدرال کاتالونیا در سال ۱۹۷۸ میلادی امتیازی بود که از سوی مادرید به کاتالونیا اعطا شد، آن‌هم به دلیل مشارکت آن ناحیه در گذار اسپانیا به دموکراسی. در سال ۲۰۰۸ میلادی، کاتالونیا در جریان برگزاری همه‌پرسی با ۷۵ درصد آرای مثبت به خودمختاری بیشتری دست یافت. آیا فکر نمی‌کنید که تمام این شواهد نشان‌دهنده آن است که دولت اسپانیا مایل به مصالحه با کاتالونیا بوده است؟

خاوی لوپز، بحران ارضی در اسپانیا عمیقاً مرتبط با بحران نهادهی در این کشور است. توافقی‌هایی که برمبنای گذار دموکراتیک به دست آمده‌اند و همچنین اصول مندرج در قانون اساسی سال ۱۹۷۸ میلادی همگی در طول زمان از سوی دولت مرکزی مادرید نقض شده‌اند. این موضوع بر نسل جوان و بحران اقتصادی نیز تأثیرگذار بوده است.
فران پدرت، جنبه چندملیتی‌بودن اسپانیا در تاریخ معاصر یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات بوده است. هر زمانی که ما موفق به دستیابی به یک قانون اساسی دموکراتیک شده‌ایم، بحث‌هایی درباره چگونگی مواجهه با سازمان ارضی دولت اسپانیا برای مردمان مختلف این کشور برای زندگی تمام ساکنان اسپانیا به‌عنوان شهروندان برابر مطرح شده است. پس از گذراندن دو رژیم دیکتاتوری در قرن بیستم، احیای دموکراسی با بازسازی دوباره خودمختاری مردم کاتالان همراه بوده و ما این امر را توسعه داده‌ایم. همان‌گونه که شما به آن اشاره کردید، نوعی نظام شبه‌فدرالی در اسپانیا حاکم است.

ما به‌هیچ‌وجه بر این باور نیستیم که خودمختاری کاتالونیا یک امتیاز است. از نظر ما این تنها راه برای درنظرگرفتن و به‌رسمیت‌شناختن ویژگی چندملیتی‌بودن اسپانیاست. اگر بخواهیم اسپانیا یک دموکراسی واقعی باشد راهی جز گردن‌نهادن به این نوع سیستم اداره کشور نداریم. دولت‌های مختلف اسپانیا نگرش‌های متفاوتی به این موضوع در دموکراسی جوان ما داشته‌اند. احزاب چپ و چپ میانه تمایل بیشتری به سازگاری با قدرت‌های تازه برای جوامع خودمختار دارند، درحالی‌که احزاب دست‌راستی اغلب به‌عنوان احزاب ملی‌گرای اسپانیایی تلاش می‌کنند تا از وجهه فدرال در نظام نیمه‌فدرال کنونی بکاهند. درواقع، اگرچه عوامل دیگری نیز در جهت‌گیری کنونی مردم کاتالونیا دخیل بوده‌اند؛ باین‌حال، می‌توان گفت که رویکرد سرسختانه حزب راست‌گرای «مردم» در اسپانیا (چه زمانی که در موضع اپوزیسیون بود و چه اکنون که قدرت را در دست دارد) عاملی مهم در تصمیم‌گیری اخیر کاتالان‌ها برای استقلال کاتالونیا بوده است.
دولت مرکزی وجود یک مشکل اساسی در ارتباط با کاتالونیا و اسپانیا را انکار می‌کند. چنین استراتژی‌ای تنها به افزایش حمایت از استقلال کمک کرده است. کاتالونیا امروز به دو دسته تقسیم شده است.

کا انگیزه اصلی کاتالان‌ها برای استقلال چیست؟ کاتالونیا ۲۰ درصد از تولید ناخالص ملی اسپانیا را تشکیل می‌دهد و آن منطقه خواستار دریافت سهم بیشتری از درآمدهای دولت مرکزی است. آیا می‌توان گفت که دلایل اقتصادی اصلی‌ترین انگیزه برای طرح خواست کاتالونیاست؟

خاوی لوپز، دراین‌میان علل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود دارند. باین‌حال، این استدلال شما که اگر دولت اسپانیا با ارائه درآمد بیشتر به کاتالونیا که بخش مهمی از شرط‌وشروط کاتالان‌هاست موافقت کند این موضوع می‌تواند در تغییر نظر کاتالونیا تأثیرگذار باشد درست است.

فران پدرت، مسئله اصلی آن است که رویکرد حزب مردم اسپانیا در